آرمان ملی
armanmeli.ir
سال هشتم
شماره ۲۵۳۵
چهارشنبه
۰۴ • ۰۹ • ۱۴۰۵
۱۵ جمادی‌الثانی ۱۴۴۸ / ۲۵ نوامبر ۲۰۲۶

ذره بین

دموکرات‌ها با ترامپ چه خواهند کرد؟

اختیارات کنگره و جنگ با ایران

خشم عمومی از تداوم درگیری نظامی در خاورمیانه و وعده دموکرات‌ها پیش از انتخابات میان‌دوره‌ای ماه جاری برای پایان دادن به این بحران، نقش مهمی در پیروزی گسترده این حزب در پای صندوق‌های رای داشت. خبر آنلاین نوشت؛ دموکرات‌ها توانستند کرسی‌های متعددی را حتی در پایگاه‌های سنتی جمهوری‌خواهان از آن خود کنند و اکثریت هر دو مجلس نمایندگان و سنا را به دست بگیرند. بسیاری از قانون‌گذاران این حزب اعلام کرده‌اند که پس از آغاز به کار کنگره جدید در ۳ ژانویه، هیچ بودجه تازه‌ای برای ادامه جنگ تصویب نخواهند کرد. با این وجود، طیفی از دموکرات‌ها قصد دارند حتی پیش از آغاز دوره جدید کنگره و با تکیه بر ضرب‌الاجل ۱۱ دسامبر که کنگره باید تا آن تاریخ لایحه تمدید بودجه برخی نهادهای فدرال را تصویب کند، حملات آمریکا را متوقف سازند. دموکرات‌ها پیش از این نیز بارها از طریق طرح قطعنامه‌های مختلف برای پایان دادن به جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران تلاش کرده بودند که به نتیجه نرسید. هفته گذشته، یاسمین انصاری و روخانا، اعضای دموکرات مجلس نمایندگان آمریکا در بیانیه‌ای مشترک از هم‌حزبی‌های خود خواستند از ضرب‌الاجل بودجه استفاده کنند تا «حتی یک سنت دیگر از پول مالیات‌دهندگان» صرف طولانی شدن این درگیری نشود. این دو نماینده در نامه سرگشاده خود به همکارانشان نوشتند: «مردم آمریکا در ۳ نوامبر با صدای بلند و شفاف اعلام کردند که خواستار پایان فوری جنگ بی‌ملاحظه دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا در ایران هستند. تصویب چنین لایحه‌ای بدون منع صریح هزینه برای عملیات تهاجمی در ایران، نادیده گرفتن خواسته آمریکایی‌هایی است که می‌خواهند این جنگ همین حالا تمام شود».

تجربه تاریخی کنگره

نگاهی به تاریخ معاصر آمریکا نشان می‌دهد که قانون‌گذاران در گذشته به طور غیرمستقیم و از طریق قطع حمایت مالی آمریکا، توانستند پایان جنگ ویتنام را رقم بزنند. کنگره در ژوئن ۱۹۷۳ «اصلاحیه کیس-چرچ» را تصویب کرد که اختصاص مستقیم یا غیرمستقیم هرگونه بودجه فدرال به جنگ را ممنوع می‌کرد. حمایت بیش از دوسوم نمایندگان هر دو مجلس از این مصوبه باعث شد نیکسون نتواند آن را وتو کند. قانون‌گذاران همچنین «قانون اختیارات جنگی» را به تصویب رساندند که رئیس جمهور را ملزم می‌کرد جز در موارد اضطراری، پیش از اعلان جنگ از کنگره مجوز بگیرد و در نوامبر ۱۹۷۳ بر وتوی نیکسون علیه این قانون نیز غلبه کردند. با قطع کامل حمایت مالی واشنگتن، دولت ویتنام جنوبی در سایگون سرانجام در آوریل ۱۹۷۵ سقوط کرد.

شکاف درون حزبی دموکرات‌ها

اگرچه اقدام دولت ترامپ در آغاز جنگ علیه ایران بدون دریافت مجوز از کنگره، که طبق قانون اساسی مرجع اعلان جنگ به شمار می‌رود، خشم دموکرات‌ها را برانگیخته است، اما همه اعضای این حزب با ابزار تعطیلی دولت برای توقف جنگ موافق نیستند. نگرانی اصلی آن است که تعطیلی نهادهای فدرال در شرایط کنونی، فشار مضاعفی بر قیمت‌های رو به افزایش مواد غذایی و بنزین وارد کند. رزا دلورو، نماینده دموکرات مجلس نمایندگان که در کنگره جدید ریاست کمیته قدرتمند تخصیص بودجه را بر عهده خواهد گرفت و اختیار مسدود کردن اعتبارات را دارد، پیش از انتخابات میان‌دوره‌ای به شبکه سی‌بی‌اس گفته بود از «قطع بودجه» جنگ حمایت می‌کند. با این حال، دلورو از تعطیلی دولت پشتیبانی نکرده و اظهار داشته است که به جای تصویب یک بسته بودجه یک‌ساله، ترجیح می‌دهد تمدید کوتاه‌مدت بودجه را به تصویب برساند. او روز چهارشنبه در جمع خبرنگاران گفت: «فکر می‌کنم مردم آمریکا مایلند ببینند که ما به این جنگ پایان می‌دهیم، اما در عین حال باور دارم که مردم ممکن است معتقد نباشند تعطیل کردن دولت به جنگ پایان خواهد داد.» در همین حال، حکیم جفریز، رهبر دموکرات‌های مجلس نمایندگان که به احتمال زیاد در ماه ژانویه رئیس این مجلس خواهد شد و چاک شومر، رهبر اقلیت دموکرات سنا، هنوز موضع رسمی خود را در قبال این راهبرد اعلام نکرده‌اند. بزرگ‌ترین مانع عملی در برابر تکرار الگوی جنگ ویتنام، قدرت وتوی رئیس جمهور و ترکیب عددی کنگره است. جمهوری‌خواهان هنوز برای شش هفته دیگر کنترل کنگره را در اختیار دارند و دموکرات‌ها نه در کنگره فعلی و نه در کنگره آینده، اکثریت دوسوم لازم برای باطل کردن وتوی رئیس جمهور را نخواهند داشت. در مجلس سنا با ۱۰۰ عضو، کسب اکثریت دوسوم نیازمند ۶۷ رای است، در حالی که دموکرات‌ها در کنگره جدید اکثریتی ۵۶ در برابر ۴۴ خواهند داشت و ۱۱ رای کم می‌آورند. در مجلس نمایندگان ۴۳۵ عضوی نیز غلبه بر وتو مستلزم ۲۹۰ رای است، اما دموکرات‌ها در دوره آینده ۲۵۷ کرسی در اختیار دارند. در ماه‌های اخیر، دموکرات‌ها با وجود نداشتن اکثریت، بیش از ۱۵ رای‌گیری درباره اختیارات جنگی را در هر دو مجلس به جریان انداختند که هیچ‌یک به تصویب نهایی نرسید. در ماه سپتامبر، ۷ نماینده جمهوری‌خواه مجلس نمایندگان در اقدامی برای توبیخ ترامپ با دموکرات‌ها هم‌رای شدند و قطعنامه مربوطه با ۲۲۰ رای موافق در برابر ۲۰۴ رای مخالف تصویب شد، اما جمهوری‌خواهان سنا هفته گذشته با ۵۱ رای در برابر ۴۸ رای آن را متوقف کردند.

«آرمان ملی» حملات تخریبی جریان خاص را بررسی می‌کند

حمله به مسئولان با رمز اختلاف



آرمان ملی- حمید شجاعی: انسجام ملی از جمله مواردی است که همواره در مراتب مختلف در خصوص آن صحبت شده و از رهبر انقلاب گرفته تا رؤسای قوا و سایر مسئولان در مناصب مختلف همواره حفظ و تقویت و وحدت در جامعه را مورد تاکید قرار داده‌اند. چنانکه کافی است نگاهی به سخنرانی‌ها و بیانیه‌های اخیر مسئولان عالی و ارشد کشور بیندازیم تا این مهم بیش از بیش مبرهن و آشکار گردد. با این حال آنچه تحت عنوان انسجام ملی مطرح می‌شود مورد تایید برخی جریانات خاص و افراد منتسب به آن جریان نیست و اساسا این وحدت و، یکپارچگی و همدلی را برنمی‌تابند. به عبارت بهتر آنها انسجامی را قبول دارند که حول محور خود، اهداف و منویاتشان باشد. لذا بر همین مبنا اکثر تصمیماتی که از سوی به ویژه دولت اتخاذ می‌شود با ان قلت‌ها و مخالفت‌هایی از سوی این جریان خاص همراه است. انگار نه انگار رهبر انقلاب بارها مکرر در مکرر در بیانیه‌های خود همه را به لزوم انسجام و وحدت و پرهیز از اختلاف افکنی و دوقطبی‌سازی فراخوانده‌اند. تفاوتی هم نمی‌کند از کدام تریبون، گاه از تریبون مجلس، گاه از رسانه‌های منصوب و متمایل به خود و گاهی هم در تجمعات شبانه حمله و تخریب به دولت و سایر مسئولان در دستور کار قرار می‌گیرد. پرسش اصلی اینجا است که در نگاه این دست افراد منافع ملی کجای کار قرار می‌گیرد؟ این چه منطقی است که فقط خود را حق و سایرین را باطل قلمداد می‌کند و هر کسی چه از مسئولان باشد و چه مردم عادی خلاف نظر و تفکرش عمل، رفتار و گفتار نماید تخریب می‌کند؟ چه اینکه چندی پیش نیز یک نماینده تند رو مجلس در حمله به روسای جمهور و مجلس در جهت عدم پاسخ به تهدیدات دشمن در قبال جان رهبر انقلاب گفته بود: مردم مانگران آن هستند که این سکوت بی موقع شما، سبب ایجاد این تصور اشتباه برای دشمن خبیث صهیونی شود که ارتکاب مجدد چنین غلطی هیچ هزینه‌ای برایش ندارد! نکند تصور شما بزرگواران این است که مملکت ما دستگاه کپی ولی فقیه دارد که در قبال چنین تهدیدات خبیثانه‌ای اینطور سکوت کرده‌اید؟! جالب اینکه بخشی از این جریان و تفکر حتی اگر تمامی شروط ایران نیز پذیرفته شود و توافقی هم حاصل شود باز هم موافق جنگ هستند و مشخص نیست عقلانیت، تدبیر و دوراندیشی نزد اینها چه جایگاهی دارد و اساسا به چنینی مفاهیمی می‌اندیشند یا صرفا بر پایه منویات و اهداف خود پیش می‌روند و منافع ملت و کشور نیز برایشان اهمیتی ندارد.

حلقه مفقوده

رهبر انقلاب همواره در بیانیه‌های خود مسئولان کشور به ویژه سران قوا را مورد تفقد خود قرار داده‌اند و از اقدامات و تصمیمات اتخاذ شده حمایت کرده‌اند. این مهم را هم می‌توان در بیانیه‌هایی که ایشان صادر می‌کنند دید و هم در اظهاراتی که سران قوا از دیدار با رهبر انقلاب داشته‌اند. لذا اینکه روابط مسئولان کشور با رهبر انقلاب روابط حسنه و موثری است امری مبرهن و آشکار است چراکه در تصمیمات کلان به ویژه در عرصه سیاست خارجی و مذاکرات همه جیز با هماهنگی ایشان و شعام پیش می‌رود و چیزی به نام نظر خود نداریم. اما عده‌ای که به واقع نانشان در ایجاد اختلاف است تفکرات خاص خود را که معمولا در تضاد با ارکان حاکمیت است را به عنوان نظر غالب در نظر می‌گیرند و به نحئی در تقابل با دولت، مجلس و مسئولان در می‌آیند و خود را در جای حق و آنها را در مقام باطل می‌نشانند و بر همین مبنا آنها را دوری از مبانی انقلاب، اهداف نظام و نظرات رهبری متهم می‌کنند و به نحوی القاء می‌کنند که میان نظر مسئولان و نظرات رهبر انقلاب اختلاف و انشقاقی وجود دارد در حالی که این سخن از اساس کذب است و توهمات جریانی است که جایی در تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی‌ها ندارد و فقط می‌خواهد با این دست اظهارات و صحبت‌ها فضا را غبارآلود کند. مثلا در جریان تفاهم اسلام‌آباد این تفاهم مورد موافقت اکثریت قاطع اعضای شعام قرار گرفت و تبعا رهبر انقلاب نیز بر آن نظر داشتند و با هماهنگی ایشان مراتب پیش رفته است. اما جریان خاص از آنجایی که دنبال گل آلود کردن آب و صید ماهی خود از این آب گل آلود است با تقطیع و بخشی نگری به صحبت‌های رهبری تلاش دارد اختلافی میان مسئولان کشور و رهبر انقلاب در بیاورد تا بر پایه آن به تخریب هدفمند مسعود پزشکیان، محمد باقر قالیباف، سید عباس عراقچی و... بپردازد. در حالی که همین جریان با وجود اینکه بارها از نام رهبری وام گرفته‌اند اما در بسیاری از موارد خلاف نظرات و بیانات ایشان عمل و رفتار نموده‌اند. لذا پیروی از ولایت یا حمایت از نظام عمل به بیانات رهبری را نیز می‌طلبد که این مهم حلقه مفقوده در مواضع این جریان خاص است.

برخورد خارج از انصاف

سخنگوی دولت در واکنش به برخی هجمه‌ها علیه رئیس جمهور و اعضای دولت چهاردهم، اظهار داشت: در شرایطی که فشارهای اقتصادی، فضاسازی‌های بیرونی تلاش می‌کنند اراده ملی برای حفظ آرامش روانی جامعه و خدمت‌رسانی را مخدوش کنند، تمام اعضای دولت پای کار ایران هستند. البته عده‌ای نیز تلاش می‌کنند شفافیت، صداقت و رویکرد گره‌گشایانه رئیس جمهور پزشکیان را مخدوش کنند و شاهد برخورد بی‌انصافانه برخی از رسانه‌ها با ایشان هستیم. فاطمه مهاجرانی گفت: هیچ غمی از این موضوع نداریم، چون باور داریم هر کس به دنبال تحقق رسالت خود است؛ رسالت این دولت نیز خدمت‌رسانی است. وی همچنین درباره حملات جدید علیه رئیس جمهور و رئیس مجلس و اتهامات واهی عدم تبعیت مقامات مسئول از منویات رهبر معظم انقلاب در تفاهم‌نامه اسلام‌آباد، بیان کرد: آنچه روشن است، هر کسی کاری را انجام می‌دهد که رسالت اوست. حل مسئله جنگ ایران با دو قدرت نظامی دنیا، وظیفه‌ای است که بر عهده سران همچون دکتر قالیباف و دکتر پزشکیان، قرار دارد. مهاجرانی تصریح کرد: اتهام‌زنی نیز کار همان عده‌ای است که رویکرد آنان را می‌دانیم. «عمل» به بیانات مقام معظم رهبری مهم است، نه اینکه صرفا «نام» ایشان را بیاوریم، به بخشی از نگاه ایشان توجه کنیم و مابقی را نادیده بگیریم، پیشنهاد و توصیه می‌کنم که این افراد به تمام فرمایشان معظم له به درستی توجه کنند. سخنگوی دولت اظهار کرد: هر کسی که امروز وحدت را نشانه گرفته است، یعنی نگاه بخشی به فرمایشات مقام معظم رهبری دارد. تاکید می‌کنم که عمل به فرمایشات ایشان مهم است، نه فقط نام بردن از ایشان و خدای نکرده خرج کردن از نام ایشان.

«آرمان ملی» گزارش می‌دهد

قهر و آشتی بخاطر تبلت نمایندگی

آرمان ملی- مرتضی خبازیان: زمانی که اخبار مربوط به روز یکشنبه مجلس منتشر شد، معلوم بود که دامنه واکنش‌ها گسترده‌تر خواهد شد. کوچک‌زاده در فایلی تصویری روایتی از ماجرا به دست داد که داستان را از زاویه دیگر روشن کرد. بعد خود رسایی در فایل صوتی حرف‌هایی زد که بیشتر موجب تعجب شد. البته رسایی در تجمعات مردمی هم حرف‌هایی زده و در مواردی تیزی سخن خود را به سوی قالیباف نشانه رفته بود. با وجود چنین اظهارنظری کمتر کسی تصور می‌کرد که ماجرا چنین سریع ختم به خیر شود و حرارت موضوع با مصافحه در جایگاه هیات رئیسه گرفته شود. حمید رسایی برای سه روز به مرخصی آمده بود، اما قبل از پایان سه روز، خبر آمد که مرخصی او سه روز دیگر تمدید شده است. برخی ناظران به زمزمه می‌پرسیدند که آیا رسایی به زندان بازخواهد گشت؟ ایسنا در همین ارتباط نوشت؛ با وجود اتمام مرخصی ۶ روزه حمید رسایی و اینکه او باید طبق قانون خود را تا پیش از ورود به روز دوم آذر به زندان معرفی می‌کرد، وی هنوز به زندان بازنگشته و غیبت کرده است. خود رسایی هم درباره پایان مرخصی و اینکه چگونه و چه وقت به زندان بازمی‌گردد حرفی نزده است. اگرچه تنش در مجلس در اطراف تبلت نمایندگی شکل گرفته بود اما ماجرای اختلاف رسایی و قالیباف را نمی‌توان صرفاً یک منازعه شخصی میان دو نماینده یا حتی اختلاف بر سر دسترسی به تبلت نمایندگی دانست. آنچه در هفته‌های اخیر اتفاق افتاد، مجموعه‌ای از رفتارها و مواضع بود که در نهایت پرسش‌های جدی‌تری درباره شأن مجلس، حدود مسئولیت نمایندگان و اعتبار نهاد قانون‌گذاری ایجاد کرد. شاید در نگاه نخست به نظر برسد که این کشمکش با روبوسی دو طرف و باز شدن تبلت رسایی به پایان رسیده، اما واقعیت این است که پایان یک منازعه لزوماً به معنای حل شدن مسئله نیست. رسایی پیش از این به حبس ۱۰ ماهه محکوم شده بود و درباره حکم به شکل استفهامی عاملیت قالیباف را گوشزد می‌کرد. او سرانجام راهی زندان شد و پس از حدود ۵۰ روز به مرخصی آمد. بازگشت او به عرصه عمومی با سکوت یا احتیاط همراه نبود. او بلافاصله در تجمعات حاضر شد و سخنرانی کرد. اینکه رسایی در دوره حبس ده ماهه آیا می‌تواند به کارهای نمایندگی بپردازد یا نه، از جمله موضوعاتی بود که از سوی برخی به آن پرداخته شد. برخی حتی گفته بودند که باید تبلت نمایندگی در زندان هم در اختیار رسایی باشد. هرچه بود، با آمدن رسایی به مرخصی داستان تبلت در مجلس برجسته شد و وقتی تبلت باز نشد، رسایی در یک فایل صوتی به تندی به قالیباف حمله کرد و اختلافی که می‌توانست در چارچوب سازوکارهای داخلی مجلس پیگیری شود، به یک منازعه علنی و رسانه‌ای تبدیل شد.

مصافحه پرهزینه

در حالی که کمتر کسی تصور می‌کرد بعد از حمله به قالیباف در فایل صوتی آرامش حاصل شود، روبوسی دو طرف در صبح روز بعد و بازگشت دسترسی تبلت رسایی، ماجرا را وارد مرحله تازه‌ای کرد. حالا سوال این است که در این کشمکش پرحرارت چه کسی برنده شد؟ آیا رئیس مجلس توانست اقتدار خود را حفظ کند؟ یا رسایی که پس از حملات علنی سرانجام به خواسته عملی خود رسید، رئیس مجلس را به عقب‌نشینی وادار کرده است؟ شاید پاسخ دقیق‌تر این باشد که هر دو در سطحی از این منازعه امتیاز گرفتند، اما هزینه‌ای که مجلس پرداخت کرد، از دستاوردهای احتمالی هر دو بسیار بیشتر بود. رسایی اختلاف خود با رئیس مجلس را به موضوعی عمومی تبدیل کرد و مسأله تبلت را از یک اختلاف اداری به مسأله‌ای سیاسی درباره حقوق نمایندگی برکشید. او پس از محکومیت قضایی و تحمل بخشی از دوران حبس، در بازگشت به مجلس نه‌تنها از مواضع خود عقب ننشست، بلکه با حملات علنی به قالیباف، فشار سیاسی را افزایش داد. در نهایت نیز دسترسی او به سامانه مجلس برقرار شد. نمی‌توان انکار کرد که او در مطالبه عملی خود به نتیجه رسیده است، نتیجه‌ای که می‌تواند در روایت سیاسی او به‌عنوان دستاورد اعتراض‌هایش مطرح شود. در مقابل، قالیباف نیز نمی‌تواند تمام ماجرا را یک شکست تلقی کند. او در جایگاهی قرار داشت که ردیفی از نماینده‌ها برای پادرمیانی به سمت او رفتند و او را در جایگاه رئیس مجلس به حل مناقشه ترغیب کردند. قالیباف پیش‌تر با پیگیری قضایی شکایت خود نشان داده بود که در مواجهه با آنچه تخلف و تعرض به جایگاه خود می‌دانست، حاضر به عقب‌نشینی نیست. با این حال، پایان ماجرا به شکلی رقم خورد که پرسش‌های تازه‌ای درباره ثبات رویه مدیریتی او ایجاد کرد. با این حال، پایان ماجرا به شکلی رقم خورد که پرسش‌های تازه‌ای درباره نحوه مدیریت اختلاف باقی گذاشت.

ضربه به نهاد مجلس

اگر محدود کردن دسترسی رسایی به تبلت اقدامی قانونی و مبتنی بر ضوابط بوده، چرا با یک روبوسی و مصافحه ماجرا به پایان رسید؟ اگر این محدودیت نادرست بوده، چرا مسئولیت آن به‌صورت روشن پذیرفته نشد؟ آیا بازگشت دسترسی نتیجه بررسی حقوقی و اصلاح یک تصمیم اشتباه بود یا حاصل توافق و مصالحه میان دو سیاستمدار؟ پاسخ به این پرسش‌ها اهمیت دارد، زیرا حقوق نمایندگی نباید به مناسبات شخصی میان رئیس مجلس و نمایندگان وابسته باشد. از سوی دیگر، رفتار رسایی نیز با پرسش‌های جدی روبه‌روست. اگر او معتقد است قالیباف در صدور حکم زندانش نقش داشته و حقوق او را تضییع کرده، روبوسی با همان فرد چه معنایی دارد؟ آیا اختلاف بر سر آن اتهام برطرف شده است؟ آیا رسایی از ادعاهای قبلی خود عدول کرده یا توضیحی درباره تغییر فضای منازعه داده است؟ البته پایان دادن به اختلاف و مصالحه میان سیاستمداران می‌تواند اتفاقی مثبت تلقی شود و چه بسا گفت‌وگو و کنار گذاشتن نقار اقدامی ضروری باشد، اما خیلی واضح است که مصالحه نمی‌تواند جایگزین پاسخ‌گویی و شفافیت قانونی شود. نمی‌توان امروز با شدیدترین ادبیات به یک مسئول حمله کرد و فردا بدون توضیح درباره مبنای آن حملات، همه چیز را با یک روبوسی پایان یافته تلقی کرد. دلیل چنین حرفی این است که اینجا موضوع مهمی درمیان است؛ مجلس. نهاد انتخابی مجلس ما حصل یک انقلاب مردمی بوده و در همه این سال تلاش شده که شأن و اعتبار خود را از دست ندهد. از این زاویه می‌توان به وضوح دید که مساله فراتر از شخص قالیباف و رسایی است. مجلس نهادی است که باید در آن اختلاف سیاسی، اعتراض و حتی منازعه بر سر تصمیمات مدیریتی در چارچوب قواعد مشخص جریان داشته باشد. وقتی اختلاف میان دو چهره سیاسی به حملات علنی، اتهام‌زنی، منازعات رسانه‌ای و در نهایت مصالحه‌ای بدون روشن شدن ابعاد ماجرا تبدیل می‌شود، این تصور شکل می‌گیرد که قواعد نهادی در برابر مناسبات شخصی و مصلحت‌های سیاسی چندان تعیین‌کننده نیستند. ضمن اینکه وقتی جامعه با فشارهای سنگین اقتصادی، نگرانی از آینده و انبوهی از مشکلات معیشتی روبه‌روست، نمی‌توان از مردم انتظار داشت که همه جزئیات اختلافات سیاسی را دنبال کنند، اما نمی‌توان هم تصور کرد که رفتار نمایندگان هیچ اثری بر نگاه عمومی به مجلس نخواهد داشت. تکرار چنین رفتارهایی به‌تدریج این پرسش را در جامعه تقویت می‌کند که مجلس تا چه اندازه درگیر مسائل واقعی کشور است و تا چه حد می‌توان به جدیت و مسئولیت‌پذیری آن اعتماد کرد؟ شاید نتوان رسایی را برنده مطلق و قالیباف را بازنده قطعی این کشمکش دانست، اما آنچه در این میان آسیب دید، تصویری بود که مجلس باید از خود به‌عنوان نهادی قانون‌مدار، پاسخگو و برخوردار از ثبات رفتاری ارائه کند.

گزارش

سخنگوی دولت:

بابت اظهاراتی که موجب نگرانی مردم می‌شود، عذرخواهی می‌کنم

سخنگوی دولت با اشاره به باور رئیس جمهور به ضرورت صرفه‌جویی در مصرف انرژی، اظهار کرد: رئیس جمهور پزشکیان، با توجه به اینکه باور دارند «رطب خورده منع رطب کی کند»، به جهت صرفه‌جویی در مصرف انرژی، صرفه‌جویی را از دولت شروع کردند و در دولت هم از خودشان و خانواده‌شان آغاز کردند. فاطمه مهاجرانی در نشست خبری گفت: به جهت آسیبی که به زیرساخت‌ها وارد شده و به جهت شرایط تحریمی که طی این سال‌ها با آن مواجه بوده‌ایم، عدم سرمایه‌گذاری در حوزه‌های زیرساخت انرژی، ناشی از تحریم‌های ظالمانه و خشنی است که بر کشور وارد می‌شود، اما از آنجا که موضوع حفظ اشتغال پایدار و روشن نگه داشتن چراغ صنعت یکی از اولویت‌های دولت است، به همه اهالی دولت همین دستور را دادند و تاکید می‌کنند که از خودشان شروع کردند. وی این اقدام را اقدامی مبارک دانست و افزود: رئیس جمهور نهج‌البلاغه خوان و قرآن خوان هستند؛ مطمئن هستیم که این همجه‌ها نیز بر محبوبیت ایشان تاثیر مثبت خواهد داشت، چراکه مردم به بلوغ سیاسی و اجتماعی رسیده‌اند و می‌دانند کدام کس عامل به درستی است. سخنگوی دولت با تاکید بر پیروزی ایران در جنگ اظهار کرد: تاکید می‌کنیم که ما در جنگ پیروز شدیم و به جهت پیروزی در جنگ رسانه‌ها، رسانه‌های خارج از کشور تلاش می‌کنند شکست را تحمیل کنند و شکاف داخلی را تحمیل کنند. مهاجرانی، با اشاره به اهمیت انتخاب وزیر برای این وزارتخانه راهبردی، به‌ویژه در شرایط کنونی کشور، اظهار کرد: انتخاب وزیر با توجه به اهمیت راهبردی این وزارتخانه، به خصوص در شرایطی که اکنون در آن قرار داریم، یکی از موضوعات مورد توجه رئیس جمهور است. وی در خصوص طرح اصلاح قانون تاسیس وزارت اطاعات و تعیین ضوابط و شرایط انتصاب وزیر نیز افزود: فوریت موضوع به تصویب رسیده و تعاملات با مجلس شورای اسلامی همچنان ادامه دارد. امیدوار هستیم هرچه سریع‌تر بتوانیم وزیر شایسته‌ای را که توانایی در دست گرفتن سکان این وزارتخانه راهبردی را داشته باشد، با توجه به نقش بین دستگاهی آن، انتخاب کنیم. سخنگوی دولت درباره اظهارات رئیس سازمان بهینه‌سازی مصرف انرژی و واکنش‌ها به این سخنان، ضمن عذرخواهی از مردم بابت طرح برخی اظهارات و پیام‌های متناقض، بیان کرد: بابت هر آن چیزی که ذهن مردم را مشوش می‌کند رسماً عذرخواهی می‌کنم، امیدوار هستیم مردم ما از این منظر دیگر آزرده نشوند. مهاجرانی با اشاره به جایگاه سخنگوی رسمی دولت در اطلاع‌رسانی درباره تصمیمات و سیاست‌ها، عنوان کرد: به عنوان سخنگوی دولت در خدمت شما هستم و سیاست دولت این است که سیاست‌های اقتصادی از طریق سخنگوی دولت و سخنگویان تخصصی اطلاع‌رسانی کند. مهاجرانی درباره انتقاد منتقدان از عدم گفت‌وگو با مردم در خصوص طرح‌های مربوط به سهمیه‌بندی آرد در مراکز استان‌ها که به‌صورت پایلوت اجرا می‌شوند، گفت: من در مورد بنزین نمی‌پذیرم که با مردم صحبت نکرده‌ایم. اما درباره برخی موضوعات، اظهاراتی مطرح می‌شود که مردم را عصبانی می‌کند، و از این بابت صمیمانه عذرخواهی می‌کنم.

عذرخواهی دولت از مردم

مهاجرانی در توضیح موضوع آرد و طرح‌های مربوط به آن گفت: اصل موضوع مبارزه با فساد است؛ مبارزه با اینکه آردی که با قیمت یارانه‌ای باید تامین شود و خوراک انسان باشد، به خوراک دام تبدیل شود. سخنگوی دولت با اشاره به انتقاد مطرح‌شده درباره توضیحات ناکافی و کمبود اطلاع‌رسانی شفاف درباره این طرح‌ها، اظهار کرد: این انتقاد به جایی است و آن را می‌پذیرم. یکی از ویژگی‌های دولت چهاردهم این است که عذرخواهی می‌کند و معتقدیم پذیرش خطا کمک می‌کند مردم راحت‌تر با ما همسو شوند. وی گفت: ۸.۵ درصد از آرد مصرفی در یک استان توسط یک نفر خریداری و به خوراک آبزیان تبدیل شده است. آیا دولت اجازه دارد که در شرایط جنگی، با چنین اقداماتی برخورد نکند؟ وی تصریح کرد: هیچ‌گونه سهمیه‌بندی برای نان شهروندان وجود ندارد و فقط موضوع مبارزه با فساد، مبارزه با رانت و مقابله با کسانی است که می‌خواهند سود کنند، ولی هزینه سود خود را نپردازند. سخنگوی دولت با بیان اینکه در اطلاع‌رسانی درباره موضوع آرد و نان به اندازه کافی توضیح داده نشده است، گفت: در این زمینه کاملا حق با مردم است و تاکید می‌کنم که باید بیشتر با مردم صحبت کنیم. هدف این طرح مطلقا شهروندان معمولی نیستند، بلکه افراد سودجو هستند. مهاجرانی با اشاره به ضرورت توضیح بیشتر درباره موضوع نان و آرد برای مخاطبان رسانه‌ها، ابراز کرد: در موضوع اطلاع‌رسانی درباره آرد و نان کاملا حق با مردم است. تاکید می‌کنم که باید بیشتر با مردم صحبت کنیم، اما آنچه در سطح دولت پیش می‌رود، از سوی سخنگوی دولت و آنچه در سطح دستگاه تخصصی دنبال می‌شود، از سوی سخنگوی دستگاه تخصصی اطلاع‌رسانی می‌شود. مهاجرانی در خصوص اهمیت هماهنگی در اطلاع‌رسانی از سوی دستگاه‌های دولتی، تاکید کرد: حوزه رسانه به دلیل سیال بودن، کمی موضوع هماهنگی در آن دشوارتر است و لزوما نمی‌توان آن را با بخشنامه مدیریت کرد. وی خاطر نشان کرد: لزوما تعدد، ساختار مشکل اطلاع‌رسانی را حل نمی‌کند و آن چیزی که به آن احتیاج داریم، یقینا انسجام بیشتر است. این نگاه بسیار مهم است که باید وحدت مقدسی را که رهبری فرمودند، حفظ کنیم. وی با اشاره به پرونده سوگند صیادی، گفت: چه این اتفاق خودکشی باشد و چه قتل، یک جان عزیز از دست رفته است و باید با تقویت اورژانس اجتماعی و مداخلات حمایتی از تکرار چنین حوادث دردناکی جلوگیری کنیم. اگر به اندازه کافی در حوزه اورژانس اجتماعی و مداخلات حمایتی فعالیت کرده بودیم، شاید می‌توانستیم از وقوع چنین حوادث دردناکی جلوگیری کنیم.